

The Weaving Skill of Black Tent in Seydal Village

**Samera Salimpour
Abkenar *** 

Assistant Professor of Traditional Arts Research
Group, Research Institute of Cultural Heritage and
Tourism (RICHT), Tehran, Iran.

Amir Anvari Moghadam 

Handicraft Studies and Research Expert, General
Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and
Tourism of South Khorasan, Birjand, Iran.

Introduction

One of the primary needs of humans from the past to the present, in addition to providing food and clothing, is providing shelter to protect them from environmental changes (*such as* heat and cold). It is clear that before the beginning of the period of agriculture and settlement, providing food for early humans was accompanied by difficulties; therefore, to solve this problem, humans have always resorted to forced migrations for easier access to food sources. On the other hand, based on the biological model of nomads, black tents have been formed *as* suitable housing for nomadic people to the extent that collective help is needed to prepare, launch, or collect them. In other words, the black tent, like providing security and food, is one of the things that require the spirit of cooperation in a nomadic life. Afterward, to provide these needs, the man learned that he could get whatever he wanted from his environment. This caused the formation of valuable local skills and knowledge in the nomadic life, which has no equivalent to this day. The traditional weaving art of the black tent, which was born *as* a dwelling for nomads, is one of these skills. After the desire to settle down, the flourishing era of the black tent also faded; however, due to new applications in the lives of rural and urban people, it was reactivated after periods of stagnation, and now it is considered a kind of artistic tourist attraction.

Accordingly, this study aims to preserve and spread the intangible cultural heritage of black tent weaving as one of the most important identity elements of nomadic life. In this regard, Seydal village, which is considered the center of black tent

Corresponding Author: s.salimpour@richt.ir

How to Cite: Salimpour Abkenar, S. (2025). The Weaving Skill of Black Tent in Seydal Village, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 11(22), P. 81-116

weaving in South Khorasan province, was studied. The most important questions of this research are: What is the practical method for weaving a black tent in Seyedal village? Has the traditional weaving art of the black tent been influenced by local raw materials and local culture?

Literature Review

Up to now, no scientific research has been published about the practical method of weaving black tents. Most studies have focused on the morphology of black tents based on social, cultural, ethnic, and tribal customs. The information provided is based on a document of intangible heritage entitled "The Weaving Skill of Black Tent in Seyedal Village, South Khorasan," which has been registered under the number 2230 by the authors.

Materials and Methods

This descriptive-analytical study is based on library and field studies, and interviews with artistic weavers and handicraft experts in Seyedal village and Nehbandan city in South Khorasan province.

Results and Discussion

The findings show that the black tent of Seyedal village is prepared by using the goat hair called Korki. Goat hair is a protein fiber with physical and chemical properties similar to wool (*such as* lightness, elegance, high resistance to wear and heat, good swelling, anti-insect, and natural shield against snake bites). This fiber naturally has some fat in its structure, which prevents the penetration of water or raindrops into the wall of a black tent. The unique feature of the goat hair is that it contracts due to heat and expands in cold. It causes that in the heat of summer, the threads between the woven fabrics shrink and open, and the airflow easily enters the black tent. Thus, the nomad's resting place is naturally cooled. On the other hand, in the cold of winter, this fiber expands and it also prevents cold air, snow, and rain from entering the black tent.

Furthermore, the weaving of black cloth for the tent includes the following steps: carding (initial manual cleaning, separating fluff from hair and aligning the fibers with the help of a wooden comb), spinning (spinning yarn with a wooden spindle, wicking and preparing a ball of yarn), threading, weaving (with the help of a horizontal wooden loom) and final sewing. It is worth noting that all of these steps are done manually and traditionally, and with simple tools by several assistants. The patterns on the black tents of the village of Seyedal also follow the weaver's mental pattern and are usually of the type of man (or shepherd), goat, or geometric.

Conclusion

The black tent is a mobile and four-season nomadic dwelling that is woven from goat hair with the cooperation of nomadic men and women. The black tents prepared from the nomadic ecosystem of Seyedal village have special features *such as* resistance to weather changes, lightness, easy transportation, and preventing the entry of biting animals. In addition to meeting the needs of nomads in South Khorasan province, these tents are also exported to neighboring countries. The production of black tents requires specialized skills that cannot be managed by a single craftsman alone. Therefore, the cooperative spirit among the residents of Seyedal has flourished, bolstered by their shared expertise in the traditional art of tent weaving.

Keywords: Black Tent, Traditional Hand-woven, Seyedal Village, South Khorasan



مهارت سیاه چادر بافی روستای سیدال

استادیار گروه پژوهشی هنرهای سنتی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

سامرا سلیم پور آبکنار * 

کارشناس پژوهش مطالعات و صنایع دستی، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی، بیرجند، ایران.

امیر انوری مقدم 

چکیده

سیاه چادر یکی از ارکان هویتی زندگی عشایری است که عموماً از مواد اولیه بوم آورد تهیه می‌شود. سیاه چادر بافی نیز همچون نیاز به تأمین امنیت و خوراک در یک زندگی عشایری با روحیه تعاون و همیاری افراد ایل پیوند خورده است. مطالعه پیش رو بر هنر سنتی سیاه چادر بافی روستای سیدال از توابع شهرستان نهبندان در استان خراسان جنوبی متمرکز شده است. هنری که در آن مردان روستا پا به پای زنان بافنده در کار نخ‌ریسی، چله دوانی، دوخت نوارهای سیاه چادر و برپایی آن مشارکت دارند. هدف این جستار علاوه بر حفظ میراث فرهنگی ناملموس، معرفی شیوه عملی هنر سنتی سیاه چادر بافی روستای سیدال است. علاوه بر این، مهم‌ترین پرسش این پژوهش آن است که چگونه مهارت سیاه چادر بافی با قدمتی ۲۰۰ ساله در روستای سیدال بر شیوه معیشت و زیست‌بوم ساکنانش مؤثر بوده است؟ روش این پژوهش علاوه بر مستندات کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی و مصاحبه با افراد هنرمند و خبره منطقه است. نتایج نشان می‌دهد که ساکنان روستای سیدال با استفاده از موی بز حاصل از دام‌پروری و نیروی تجربه بافندگان هنرمند اقدام به بافت سیاه چادرهایی بسیار با کیفیت می‌نمایند که علاوه بر تأمین نیازهای استان به کشورهای همسایه نیز صادر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سیاه چادر، دست‌بافته سنتی، روستای سیدال، خراسان جنوبی.

مقدمه و بیان مسئله

ابتدایی‌ترین شیوه زیست بشر بر نظام کوچ‌نشینی^۱ استوار بوده و علی‌رغم تغییر الگوی زیستی و معیشتی در جهان (تمایل به روستانشینی و شهرنشینی) این نظام تا به امروز به حیات اجتماعی خویش ادامه داده است. اگرچه در دهه‌های اخیر برخی از مشکلات نظیر: تغییرات اقلیمی، خشک‌سالی، کمبود مراتع و توسعه‌یافتگی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) باعث دگرگونی و تغییر شکل زیست غالب انسان غیر شهرنشین به سمت وسوی اسکان اجباری و روستانشینی شده است؛ بااین‌وجود، سرمایه‌گذاری‌های چشمگیری برای حفظ، اشاعه هویت و بازسازی سنت‌های ایلایاتی و عشایری از سوی حکمرانان کشورهای مختلف به چشم می‌خورد.

ایران نیز به‌عنوان کشوری پهناور با تنوع اقوام تا اواخر قرن نوزدهم با نظام‌های معیشتی سه‌گانه عشایری، روستایی و شهری شناخته می‌شد که وجه غالب زیست اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن از نظام‌های اول و دوم سرچشمه می‌گرفت (نیازی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴۷)؛ تا جایی که «پیش از تشکیل دولت پهلوی اول، دولت‌ها اغلب خصلت ایلی و قبیله‌ای داشتند» (پور حسن، ۱۳۹۶: ۴۳).

چون اساس معیشت زندگی کوچ‌نشینی مبتنی بر کوچ و دام‌پروری است، این نوع معیشت همواره با چالش‌ها و سختی‌های متعددی همراه بوده که برای مقابله با آن‌ها نیاز به همکاری و یاریگری جمعی می‌باشد. تأمین امنیت، خوراک و بافت سیاه‌چادر از مواردی است که روحیه تعاون جمعی را در یک زندگی عشایری می‌طلبد (نوراللهی، ۱۳۹۷: ۸۹). برای تأمین این نیازها نیز عشایر در تقابل با سختی‌های طبیعت آموخته‌اند هر آنچه را که می‌خواهند می‌توانند از زیست‌بوم عشایری^۲ خویش به دست آورند. همین امر باعث شده مهارت‌ها و دانش‌های بومی ارزشمندی در مناطق عشایرنشین شکل گیرند که نظیری برای آن وجود نداشته باشد. بنابراین، می‌توان اذعان داشت که نظام عشایری ایران میراث‌دار سهم بزرگی از هویت، تاریخ، فرهنگ و هنر در، کهن سرزمین ایران است.

1. Migration

۲- به محدوده‌ای از قلمرو رده‌های ایلی عشایر شامل ییلاق، قشلاق و مسیر مابین این دو اطلاق می‌شود.

بر این اساس، مطالعه پیش رو برای حفظ و اشاعه میراث فرهنگی ناملموس سیاه‌چادر بافی که یکی از مهم‌ترین ارکان هویتی زندگی عشایری است، نگاشته شده است. برای نیل به این مقصود، روستای سیدال به عنوان قطب سیاه‌چادر بافی استان خراسان جنوبی انتخاب شده است. این روستا در شهرستان نهبندان واقع شده که کشاورزی نداشته و اقتصاد آن بر پایه دام‌پروری و سیاه‌چادر بافی استوار است. همچنین، مهم‌ترین سؤالاتی که این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای آنهاست، عبارت‌اند از: شیوه عملی بافت سیاه‌چادر در روستای سیدال چگونه است؟ آیا هنر سنتی سیاه‌چادر بافی تحت تأثیر مواد اولیه بوم‌آورد و فرهنگ بومی به وجود آمده است؟

مبانی نظری

کوچ و شیوه زندگی عشایری: کوچ^۱، از گذشته تا به امروز، با مفهوم حرکت انسان از قلمرو زور و اختناق - به واسطه نیروی قهریه طبیعت و یا نظام‌های حکومتی - به سوی محیطی آزاد برای حفظ سلامتی و دستیابی به زندگی بهتر، از فلسفه عمیقی برخوردار است. این فلسفه عموماً از جهان‌بینی خاصی سرچشمه می‌گیرد: «انسانی که در یکجا ساکن است، دید و فکرش بسته و راکد می‌ماند و دید راکد هم نمی‌تواند یک تمدن جدید بسازد. اگرچه در تکوین تمدن عوامل جغرافیایی، اقتصادی و آب و هوایی نیز مؤثرند» (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۳۲). بر پایه چنین فلسفه‌ای، شیوه زندگی عشایری مبتنی بر جابه‌جایی و کوچ‌نشینی هم‌راستا با شرایط جغرافیایی و زیست‌محیطی شکل گرفته است (ترکمنی و لفافچی، ۱۴۰۰: ۴۵).

کوچ‌نشینی در ایران دارای سابقه‌ای کهن است و بر همین اساس می‌توان اذعان داشت که پناهگاه‌های کوچندگان نیز از قدمتی طولانی برخوردارند. شواهد تاریخی نشان می‌دهند که حدود ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد، اقوام کوچنده‌ای با نام ایلامیان، آریاتیک و آریایی‌ها به صورت دسته‌جمعی وارد ایران شده و به همراه بومیان ایرانی بنیان‌گذار حکومت‌های بزرگ و مدون ایلی شدند (نافچی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۶).

چون سیستم معیشتی اغلب عشایر بر حرفه دامپروری استوار است، خانوارهای عشایری برای دسترسی به علوفه مرتعی تازه ناگزیر به جابه‌جایی مابین قلمروهای ییلاقی^۱ (یا سردسیری) و قشلاقی^۲ (یا گرمسیری) همراه با تغییر فصل هستند. نکته مهم آن است که در مسیر کوچ، خانوارهای عشایری بایستی تمام وسایل زندگی خود را بر چهارپایان ببندند و در طول سال چندین بار جابه‌جا شوند. از این رو، بار و بُنه و مسکن در زندگی عشایری همواره سبک و ارزان‌قیمت با قابلیت تحرک و استحکام بالا انتخاب می‌شوند.

تاریخچه و ریخت‌شناسی سیاه‌چادر: نخستین نشانه‌های خانه‌سازی در ایران به دوران ماقبل تاریخ و به انسان‌های غارنشین بازمی‌گردد. به اعتقاد باستان‌شناس مشهور، رومن گریشمن^۳، قدمت پناه بردن انسان به غارها و تمایلش به خانه‌سازی به بیش از پانزده هزار سال می‌رسد و هم‌زمان با تکامل زندگی بشری، انسان نخستین از غار، کپر، زاغه، حصیر و چوب به خانه‌های سنگی و بتونی امروزی رسیده است (فیلبرگ، ۱۳۷۲: ۵۷).

سیاه‌چادر به عنوان مسکن سیار و چهارفصل عشایر یکی از قدیمی‌ترین خانه‌های بشر کوچ‌نشین است که در تعامل با طبیعت به همان صورت قبل و دست‌نخورده باقی مانده است. علت این امر را شاید بتوان به قابلیت «تطابق و پایداری» آن با اقلیم‌های جغرافیایی سردسیری و گرمسیری در مسیر کوچ و نسبت داد. زیرا سیاه‌چادر تنها سازه قابل حمل و سبک است که علاوه بر فراهم آوردن امنیت و آسایش، در برابر عوامل جوّی و زیست‌محیطی نیز سازگار بافته شده است (ترکمنی و لفافچی، ۱۴۰۰: ۴۵).

سیاه‌چادر، نمود هنر معماری عشایری است که از موی بز بافته می‌شود (افشار سیستانی، ۱۳۸۲: ۱۴۶). سازه هر سیاه‌چادر از بخش‌های مختلفی تشکیل شده که عبارت‌اند از: بهون^۴ (یا پارچه سیاه‌چادر)، سرکوچیل^۱ (یا تیر افقی)، کوچیل (یا ستون عمودی) و

۱- قلمرو جغرافیایی که عشایر فصول بهار و تابستان را در آن می‌گذرانند.

۲- قلمرو جغرافیایی که عشایر فصول پاییز و زمستان را در آن می‌گذرانند.

۳- Roman Girshman (۱۸۹۵ تا ۱۹۷۹ میلادی) باستان‌شناس فرانسوی اوکراینی تبار که مطالعات ارزشمندی درباره تاریخ ایران باستان انجام داده است.

چیت^۲. کوچیل و سرکوچیل از چوب درخت بلوط تهیه شده و نقش مهمی در برپایی سیاه‌چادر دارند و همچون چفت و بست می‌توانند به یکدیگر قفل شوند. ستون‌های عمودی با توجه به طول پادر عموماً سه تا چهار عدد با ارتفاع ۳ متر هستند. بهون نیز به کمک میخ و ریسمان‌هایی به ستون‌ها و زمین متصل شده و باعث استحکام سازه سیاه‌چادر در برابر بارندگی و بادهای شدید می‌شوند (عکس ۱).



عکس ۱- سیاه‌چادر: الف) تابستانی و ب) زمستانی (روحی، ۱۳۹۵: ۱۶).

لازم به توضیح است برای در امان ماندن از سرمای فصل زمستان، دورتادور سیاه‌چادر را به ارتفاع ۷۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر و به قطر نیم متر با دیوار سنگی می‌پوشانند (ترکمنی و لفافچی، ۱۴۰۰: ۴۷).

باورهای عامیانه در برپایی سیاه‌چادر: پارامترهای مختلفی بر معماری سیاه‌چادرهایی که در قبایل مختلف ایران برپا می‌شوند، تأثیرگذارند که از آن جمله می‌توان به: شرایط اقلیمی، فرهنگی، باورها و اعتقادات، سبک زندگی، امنیت و جایگاه زن

۱. Sarkūcīl

۲- یا Āt دیوار متحرکی است که از موی بز، نی و ریسمان بافته و تهیه می‌شود. این دیوار در فصول گرم سال کاربرد بیشتری دارد.

اشاره نمود. مسطح بودن سقف سیاه چادرها و ورودی بزرگ تر در فصل تابستان، شیب دار بودن سقف، ورودی کوچک تر و ساختن دیوارهای سنگی دورتادور سیاه چادر در فصل زمستان از عواملی هستند که به شرایط اقلیمی و زیست محیطی وابسته اند. جهت گیری سیاه چادرها به سمت قبله یا حرم امام رضا (ع) و یا آغاز کوچ در روزهای خوش یمن سال نشان دهنده باورها و اعتقادات عشایر ایرانی است (شبان، ۱۳۹۸: یادداشت ۱). یکی از دلایل برپایی سیاه چادرها در کنار یکدیگر آن است که دید همدیگر را کامل نمایند و این بیانگر ارزش نهادن بر عنصر «امنیت» در زندگی عشایری است (همان: ۵۰).

پیشینه پژوهش

با جستجو در میان وب سایت های علمی معتبر می توان دریافت پژوهش های متعددی با موضوع سیاه چادر منتشر شده اند که برخی از مهم ترین آن ها عبارت اند از: کتابی با نام «سیاه چادر، مسکن کوچ نشینان و نیمه کوچ نشینان در پویه تاریخ» (فیلبرگ^۱، ۱۳۷۲) که در آن نویسنده علاوه بر تحول تاریخی اقوام کوچ نشین و شیوه زندگی شان به شرح انواع اصلی سیاه چادرها پرداخته است.

در کتابی دیگر با نام «سیه چادرها: تحقیقی از زندگی مردم ایل قشقایی» (کیانی، ۱۳۷۶) نگارنده در هجده فصل به شرح دقیق زندگی ایل قشقایی پرداخته و در فصل ششم عناصر اصلی برپایی سیاه چادرها و چیق بافی را برشمرده است. در مقاله ای با نام: «دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه مال، سازه پرتابل ایل» (پاپ زن و افشارزاده، ۱۳۹۰) دانش بومی زنان عشایر کوچنده ایل کلهر درباره سکونتگاه های عشایری مستندسازی شده است. علاوه بر این، در این پژوهش تقسیم بندی فضاهای داخلی و خارجی سیاه چادرها نیز به خوبی شرح داده شده است.

مقاله‌ای با نام: «سیاه‌چادر؛ معماری عشایر کوچ‌نشین» (روحی، ۱۳۹۵) علاوه بر ارزیابی دلایل ماندگاری این سکونتگاه‌ها تا عصر حاضر، فضاهای مختلف یک سیاه‌چادر و ابزار موردنیاز برای برپایی آن به‌خوبی توصیف شده‌اند.

در مقاله‌ای با عنوان: «گوت ک مال» (رئسی نافچی و همکاران، ۱۳۹۹) انواع زیرساخت‌های سیاه‌چادرهای ایل سنگسر معرفی و دسته‌بندی شده‌اند. همچنین، در مقاله: «ریخت‌شناسی سیاه‌چادر در عشایر جنوب غرب ایران» (رنجبر و محمودی، ۱۳۹۹) نویسندگان میزان تأثیرگذاری تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی بر ریخت سیاه‌چادرهای عشایر گُرد و بختیاری را مطالعه نموده و به این نتیجه رسیده‌اند که ریخت سیاه‌چادرها تحت تأثیر عوامل اقلیمی، مهمان‌نوازی، مراسم شادی، حفاظت، امنیت، هنر و زیبایی قرار دارد.

در کنار تمام نقاط قوتی که در پژوهش‌های یادشده به چشم می‌خورد، متأسفانه شیوه عملی و جزئیات دانش بومی بافت پارچه سیاه‌چادر مغفول مانده است. بر این اساس، این مقاله برای اولین بار درباره مواد اولیه، ابزار موردنیاز و شیوه بافت پارچه سیاه‌چادر متمرکز شده است.

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس داده‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای، میدانی و مصاحبه با هنرمندان بافنده و کارشناسان صنایع دستی روستای سیدال و شهرستان نهبندان در استان خراسان جنوبی و به شیوه توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است. گفتنی است پرونده میراث ناملموس مهارت پلاس بافی (سیاه‌چادر بافی) روستای سیدال استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۹ با شماره ۲۲۳۰ توسط نگارنده دوم با سمت اقدام کننده و تدوینگر در اداره کل ثبت آثار سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به ثبت رسیده است.

یافته‌ها

موقعیت جغرافیایی روستای سیدال: روستای عشایری سیدال^۱ در ۱۰۰ کیلومتری شمال غرب شهرستان نهبندان و ۱۷۰ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند- مرکز استان خراسان جنوبی- قرار دارد (نقشه ۱).

سیدال در منطقه‌ای نسبتاً کوهستانی با زمستان‌های سرد و تابستان‌های معتدل واقع شده است. در گذشته، اغلب ساکنین این روستا عشایر بوده و زندگی دامداری پررونقی داشتند. عشایر روستای سیدال پیش از یکجانشین شدن برخلاف عشایر سایر استان‌ها (من جمله: بهلولی، سارانی و غیره) که به صورت ایل^۲ و طایفه^۳ کوچ می‌کنند، به صورت فصلی و تک خانوار و یا نهایتاً سه خانوار در نزدیکی چاه‌ها و چشمه‌هایی که متعلق به همان خانوارهاست، کوچ می‌کردند. به بیانی دیگر، یکی از ویژگی‌های خاص عشایر این ناحیه آن بوده که یک خانواده یا فامیل در زمان کوچ در چندین نقطه مختلف ساکن می‌شدند (URL1).

۱- روستای سیدال در ۵۹ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی، ۳۲ درجه و ۰۲ دقیقه عرض شمالی و ارتفاع ۱۸۵۰ متر از سطح دریا قرار دارد (URL2).

۲- نوعی تشکل عشایری شامل مجموعه‌ای از طوایف که به اتکاء زبان، فرهنگ، آداب مشترک و یا وابستگی‌های خویشاوندی بنا بر ضروریات اجتماعی و سیاسی با هم متحد و تحت رهبری ایلخان یا ایل بیگ اداره می‌شوند (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۷۹)

۳- مهم‌ترین رده در سلسله مراتب ایلی متشکل از مجموعه‌ای از تیره‌ها که سابقه طولانی در زندگی، معاشرت، مالکیت و همکاری‌های طایفه‌ای دارند و زیر نظر یک کلاتر اداره می‌شوند (همان: ۱۷۷).



نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی روستای سیدال در استان خراسان جنوبی (URL1).

بر اساس پیشینه تاریخی^۱ زندگی عشایری، مهارت سیاه‌چادر بافی با قدمتی بیش از ۲۰۰ سال در میان ساکنین این ناحیه در تمام فصول رواج دارد. همچنین، حدود ۷۰ درصد زنان و مردان این روستا در فرآیندهای ریسندگی و بافندگی سیاه‌چادر دخیل هستند و سالانه تقریباً ۱۲۰۰۰ مترمربع سیاه‌چادر با کیفیت در بیش از ۵۰ کارگاه تولید نموده و آنها

۱- بر اساس مستندات باستان‌شناسی، محوطه‌های تاریخی فراوانی متعلق به دوره‌های اشکانی و ساسانی در ناحیه نهبندان شناسایی شده‌اند (فرجامی و محمودی نسب، ۱۴۰۲: ۵۹؛ دانا و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷) و چون حضور اقوام کوچ رو ساگارتیان (Sagarties) در منطقه خراسان جنوبی تأیید شده است (هدایتی، ۱۳۸۴: ۲۱۱) گمان می‌رود که استفاده از سیاه‌چادر و مهارت سیاه‌چادربافی در این ناحیه از قدمت زیادی برخوردار باشد. این فرضیه با مصاحبه‌های میدانی با ریش‌سفیدان این ناحیه نیز تطابق دارد.

را به استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، خراسان رضوی و کشورهای همسایه‌ای همچون: افغانستان، پاکستان، عراق و حاشیه خلیج فارس صادر می‌کنند (شبانی، ۱۳۹۸: یادداشت ۱).

این سیاه‌چادرها علاوه بر مصارف عشایری برای اقامتگاه‌های بوم‌گردی، گردشگری و آلاچیق‌ها، ساخت سایه‌بان در تفرجگاه‌ها، مهمان‌پذیرها و سفره‌خانه‌های سنتی نیز کاربرد دارند. همچنین، بیش از ۹۵ درصد نیاز به سیاه‌چادرهای عشایری استان خراسان جنوبی توسط روستای سیدال تولید و تأمین می‌شود. علاوه بر سیاه‌چادر بافی، هنرهای سنتی دیگری نظیر: جاجیم‌بافی، گلیم‌بافی، پارچه‌بافی، قالی‌بافی، پخل بافی و پلاس بافی نیز در روستای سیدال رایج هستند (چوپانی، ۱۳۹۸: یادداشت ۲).

مواد اولیه سیاه‌چادر بافی: موی بز^۱ ماده اولیه بوم‌آورد برای بافت سیاه‌چادر در روستای سیدال است. این لیف پروتئینی دارای خواص فیزیکی و شیمیایی مشابه پشم (نظیر: سبکی، ظرافت، مقاومت بالا در برابر ساییدگی و حرارت، تورم خوب در اثر رطوبت، ضد حشره بودن و سپر طبیعی در برابر گزش مار^۲) است. علاوه بر این، موی بز به‌طور طبیعی دارای مقادیری چربی در ساختار خود می‌باشد که همین امر مانع از نفوذ آب و یا قطرات باران به جداره سیاه‌چادر می‌شود. از ویژگی‌های منحصر به فرد این لیف که آن را گزینه مناسبی برای بافت سیاه‌چادر می‌کند آن است که برخلاف سایر الیاف طبیعی در اثر گرما منقبض و در برابر سرما منبسط می‌شود (توانایی، ۱۳۸۱: ۳۸). این خاصیت سبب می‌شود که در گرمای فصل تابستان، درزهای مابین پارچه‌های بافته‌شده از موی بز منقبض و از یکدیگر باز شده و جریان هوا به راحتی به درون سیاه‌چادر راه یابد. بدین ترتیب، محل زندگی و استراحت عشایر به‌طور طبیعی خنک می‌شود. در مقابل، در سرمای فصل زمستان

1. Goat hair

۲- «بر اساس مطالعات انجام شده توسط جری اندرسون- خزنده شناس مشهور- موی بز به عنوان یک مانع در برابر حمله مارها عمل می‌نماید» (موسوی حاجی و پیری، ۱۳۸۸: ۷۴).

موی بز منبسط شده و علاوه بر عدم نفوذ هوای سرد به درون چادر از ورود برف و باران نیز جلوگیری می‌شود.

بزهایی که در روستای سیدال پرورش می‌یابند اغلب از نوع (۱) محلی با موهای سیاه و (۲) گُرکی^۱ با موهای خاکستری تیره هستند. از دلایل علاقه به پرورش بزهای نامبرده شده در روستای سیدال می‌توان به مواردی همچون: سازگاری با محیط‌های کویری و بیابانی، مقاومت در برابر بیماری‌های سخت، قدرت تحرک خوب، نشخوار کردن، تغذیه از علف‌های هرز و مصرف اختیاری علوفه‌هایی که حتی سایر دام‌ها قادر به هضم آن نیستند، اشاره نمود (چوپانی، ۱۳۹۸: یادداشت ۲).

حلاجی سنتی: اهالی روستا در فصل بهار موهای بزها را با دوکارد می‌چینند و از آن نخ تهیه می‌کنند. پس از پاک‌سازی دستی اولیه و جداسازی گُرک از مو^۲، موهای چیده شده را چندین بار به صورت دسته‌دسته از لای شانه چوبی حلاجی^۳ عبور داده و می‌کشند تا علاوه بر صاف و موازی شدن، پرزها و ناخالصی‌های زائد نیز از آنها خارج شده و آماده فرآیند ریسندگی شوند (عکس ۲). لازم به توضیح است که در حال حاضر گهگاهی برای سرعت بخشیدن به فرآیند حلاجی از دستگاه‌های صنعتی شانه‌زنی استفاده می‌شود که در کاهش کیفیت موی بز بی‌تأثیر نیست (حیدری، ۱۳۹۸: یادداشت ۳).

1. Fluffy

۲- طول موی بزهایی که در منطقه نه‌بندان پرورش می‌یابند، حدود ۵ تا ۲۰ سانتی‌متر است.

3. Carding wooden comb



عکس ۲- الف) چیدن موهای بز، ب) پاک‌سازی اولیه الیاف و ج) حلاجی با شانه چوبی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ریسندگی سنتی موی بز: ساکنان روستای سیدال به فرآیند نخ‌ریسی سنتی موی بز «جَلَک رِیسی»^۱ می‌گویند. ابتدا، مقداری از الیاف را به کمک انگشتان موازی نموده و با کف دست به هم فشرده و با پیچش به دورهم رشته طنابی ضخیم به نام فیتله^۲ تهیه می‌کنند (عکس ۳). سپس، آن را به شکل حلقه‌ای که امکان ورود دست به داخل آن وجود داشته باشد درآورده که در گویش محلی به آن «دَسْتَک»^۳ می‌گویند. نهایتاً، موی دسته شده را با جَلَک ریسیده و به فرم گلوله نخ^۴ تبدیل می‌کنند (حیدری، ۱۳۹۸: یادداشت ۴).

۱- عشایر سیدال به دوک نخ‌ریسی چوبی جَلَک (Galak) می‌گویند.

2. Thread wick

3. Dastak

۴- در گویش محلی به آن «گروبه یا گرونه» نخ می‌گویند.

دو لا و چند لا کردن نخ: نخ چله^۱ مورد استفاده برای سیاه‌چادر بافی که در گویش محلی به آن «شَط»^۲ می‌گویند، نخ دو لای تابیده شده^۳ است. برای تهیه این نخ ابتدا دو گلوله نخ‌ریسیده شده را به کمک چرخ نخ‌ریسی^۴ یا چَرک^۵ به هم تابیده و نخ دو لا یا شَنگ^۶ تهیه می‌شود (حیدری، ۱۳۹۸: یادداشت ۵).



عکس ۳- الف) فشردن سازی و تهیه دستک، ب) ریسیدن الیاف با جَلک و ج) گلوله (یا گروه) نخ (نگارندگان، ۱۳۹۸).

دو لا کردن نخ تک لا نیز به دو روش انجام می‌شود. پس از خیساندن دو گلوله نخ در آب^۷ دو سر نخ را در دست گرفته و به یکدیگر تاب می‌دهند، آنگاه (۱) دو نخ را به انتهای جَلک بسته و آن را با کف دست بر روی ران پا قرار داده و می‌چرخانند تا حدود نیم‌متر از طول دو نخ تاب‌داده شود و سپس، نخ تاب‌داده شده را به دور چوب جَلک پیچانده و کار تا انتها برای تاب دادن و دو لا سازی نخ ادامه می‌یابد و (۲) نیم‌متر از نخ که به صورت

1. Warp thread
2. Shāt
3. Double throw yarn
4. Spinning wheel
5. Čarek
6. Sheng

۷- خیساندن نخ‌های تک لا به درگیری بهتر الیاف و فرآیند تاب دادن کمک کرده و نخ محکم‌تری بدست می‌آید.

دستی تاب و دو لا شده را به چرخ نخ‌ریسی وصل نموده و با چرخاندن آن فرآیند دو لا سازی نخ انجام می‌شود. البته روش دوم متداول‌تر بوده و از سرعت و دقت بیشتری برخوردار است (عکس ۴).

نهایتاً، گلوله نخ دو لا شده را در آفتاب قرار داده تا خشک و محکم‌تر شده و برای فرآیند چله‌کشی^۱ آماده شود. برای شیرازه سیاه‌چادرها نیز معمولاً از نخ مویی تابیده ۸ و یا ۱۰ لا که به ترتیب با نخ‌های ضخیم و یا نازک ریسیده شده‌اند، استفاده می‌شود (حیدری، ۱۳۹۸: یادداشت ۵).



عکس ۴- فرآیند دو لا سازی نخ چله به روش چرخ نخ‌ریسی (با چَرک)
(نگارندگان، ۱۳۹۸).

ابزار و تجهیزات موردنیاز برای چله‌کشی و بافندگی: پیش از فرآیند چله‌کشی باید دار بافندگی افقی آماده شود. برای برپایی دار بافندگی نیز نیاز به ابزار و تجهیزات خاصی است (جدول ۱) که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

میخ‌های فولادی اولین و مهم‌ترین ابزار برپایی دار و سپس چله‌کشی هستند که وظیفه مهار کردن سرکار (جلوکار یا میله جلوی دار)، دُم‌کار (ته‌کار یا میله عقب‌کار) و جغجغه‌ها را بر عهده دارند (ردیف ۱).

جغجغه‌ها نیز ابزاری برای بستن و سفت کردن میله ته‌کار هستند که از یک‌سو به کمک میخ فولادی قوی کوبیده شده در زمین مهار شده و از سوی دیگر به کمک مهره محکم می‌شوند. هر زمان نخ‌های چله به هر دلیلی شل شوند با پیچاندن بدنه جغجغه میله ته‌کار به عقب کشیده شده و چله‌ها مجدداً محکم می‌شوند.^۱ همچنین، به هنگام بارندگی یا زمان کوچ عشایر اگر کار سیاه‌چادر بافی نیمه‌تمام باقی مانده باشد، با شل کردن پیچ جغجغه‌ها می‌توان کار را آزاد و جمع‌آوری کرد (ردیف ۲).

سرکار یا میله جلوی دار، میله‌ای با قطر حدود ۴ سانتی‌متر و طول یک و نیم متر است. سرکار اولین میله‌ای است که در جلوی بافنده قرار می‌گیرد و سر چله‌ها به دور آن پیچیده می‌شوند. به عبارتی دیگر، میله سرکار نگهدارنده نخ‌های چله در جلوی کار است. علاوه بر این، سرکار با کمک دو میله یا میخ فولادی بزرگ که دو طرف آن به زمین کوبیده شده مهار و فشار حاصل از کشش چله‌ها را تحمل می‌کند (ردیف ۳).

ته‌کار (یا میله عقب‌کار) مشابه میله سرکار اما با طول متفاوت ۲ متر و قطر تقریبی ۶ سانتی‌متر است.^۲ میله ته‌کار، نگهدارنده نخ‌های چله در انتهای کار است که علاوه بر طول بیشتر، دارای دو سوراخ در دو طرف نیز بوده که محل عبور پیچ جغجغه‌هاست (ردیف‌های ۱ و ۴). همان‌طور که پیش از این اشاره شد، میله ته‌کار به کمک جغجغه‌ها کشیده شده و چله‌ها را محکم نگه می‌دارد.^۳

۱- البته این کار بدون استفاده از جغجغه و توسط پیچ و مهره‌های بزرگ هم انجام می‌شود.

۲- علت بیشتر بودن طول میله ته‌کار آنست که چله‌ها در انتهای کار برخلاف جلوی کار بازتر هستند و بلندتر بودن این میله سبب می‌شود که از جمع‌شدگی نخ‌های چله در حین بافندگی جلوگیری شود.

۳- در گذشته و در عدم حضور جغجغه، کار مهار میله‌های سرکار و ته‌کار به کمک ریسمان‌های مویی و یا پنبه‌ای انجام می‌شد.

گله پیش که در زبان محلی به آن کوچی^۱ می گویند، میله ای استوانه ای شکل با قطری حدود ۳ تا ۴ سانتی متر و طول تقریبی ۱۲۰ تا ۱۵۰ سانتی متر است که تارهای روی چله به صورت تک به تک بر روی آن تنظیم و جداسازی می شوند. این میله پس از میله سرکار و در مقابل بافنده قرار می گیرد. گله پی (یا هاف) میله ای همانند کوچی است که به فاصله حدود ۳۰ سانتی متر و پس از آن جای گرفته و چله های زیر دوتادوتا بر روی آن بسته و تنظیم می شوند (ردیف ۵).

سه چوبی^۲ که به صورت سه پایه دوربین در فاصله نیم متری جلوی کار و محل نشستن بافنده قرار می گیرد، سه پایه نامیده می شود. این سه پایه هم زمان با پیشرفت فرآیند بافت به عقب کار رانده می شود. سه پایه وظیفه نگهداری مجموعه تجهیزات ایجاد دهانه بافت و تعویض ته کار را نیز بر عهده دارد. این سه چوب را معمولاً از بالا به کمک یک ریسمان مویی یا پنبه ای به یکدیگر وصل می کنند تا کاملاً ثابت شود (ردیف های ۵ و ۶).

شفت میله ای نازک و استوانه ای شکل همانند کوچی و یا هاف است که پس از عملیات چله دوانی و پیش از قرار دادن سه پایه، مابین چله های روی و زیرین قرار می گیرد. برای جداسازی آسان و بدون خطای چله های زیر و رو، شفت را به آهستگی از انتهای کار به سمت جلو هدایت می کنند. در پایان کار نیز این میله از میان چله ها برداشته و کنار گذاشته می شود (ردیف ۷).

کمونک (یا کمانک) قطعه چوبی کمانی شکل است که به حرکت گله ها و ایجاد دهانه کار کمک می کند. این چوب به کمک ریسمان بر روی سه پایه قرار گرفته و محکم می شود (ردیف ۸).

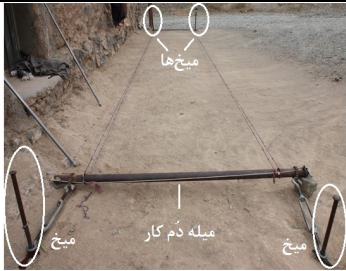
روبنک (یا پیش رونک) قطعه چوبی کوتاه و محکمی با طول تقریبی ۳۰ سانتی متر است که به فرم (+) بر روی کمونک قرار می گیرد. این قطعه از دو طرف به کمک ریسمان به گله های پیش و پی متصل می شود. لازم به توضیح است که روبنک آزاد بوده و بافنده

1. Kūgi

۲- طول تقریبی هر کدام از چوب ها یک و نیم متر است.

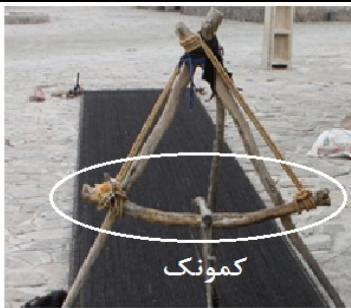
با لغزاندن آن به سمت جلو یا عقب بر روی کمونک، باعث بالا یا پایین رفتن گله‌ها شده و بدین ترتیب دُم کار تغییر نموده و موقعیت چله‌های زیر و رو تعویض می‌شود (ردیف ۹).
دَسْتَك (یا دَفْتین) نیز شانه‌ای فلزی مشابه شانه‌های مورد استفاده در هنر قالی‌بافی و یا گلیم‌بافی است که برای کوبیدن نخ پود در حین فرآیند بافندگی استفاده می‌شود (ردیف ۱۰).
جوال‌دوز (ردیف ۱۱) سوزن بزرگ فلزی با طول تقریبی ۱۵ سانتی‌متر است که دارای سوراخی بزرگ برای عبور دادن نخ مویی است (کوه بالایی، ۱۳۹۸: یادداشت ۶).

جدول ۱- ابزار و تجهیزات مورد استفاده برای تهیه سیاه‌چادر (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ردیف	تصاویر	توضیحات
۱		میخ‌های چهار طرف کار با طول ۸۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر.
۲		جغجغه

مهارت سیاه چادر بافی روستای سیدال، سلیم پور و انوری مقدم | ۱۰۱

سَرکار (جلو کار یا میله جلوی دار)	 میله سرکار	۳
دُم کار (ته کار یا میله عقب کار)	 حفره میله دُم کار سَرکار	۴
کوجی (یا گله پیش)، هاف (یا گله پی) و سه پایه	 سه پایه کوجی هاف	۵
سه پایه محکم شده با ریسمان		۶
شَفَت	 شَفَت	۷

کَمُونک (یا کَمَانک)		۸
روَبِنْدک (یا پیش روَنک)		۹
دَسْتک (یا دَفْتین)		۱۰
جوال‌دوز		۱۱

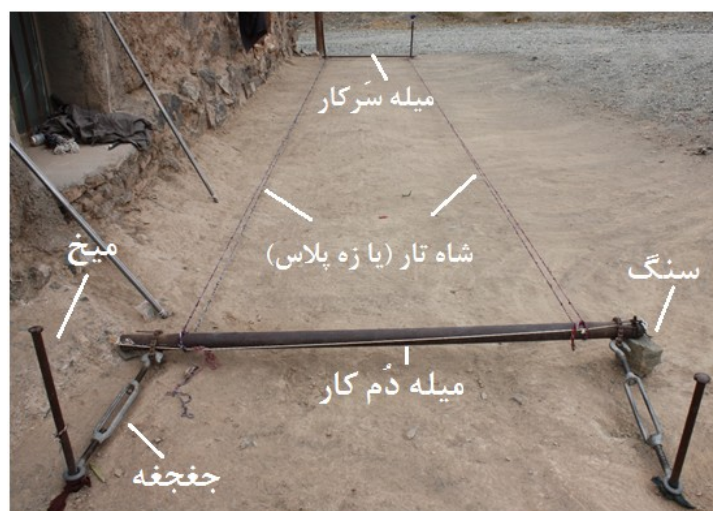
چله کشی: بافندگان روستای سیدال به چله کشی در زبان محلی توتنی^۱ یا پلاس تنی می گویند. این فرآیند شامل مراحل مختلفی نظیر: برپا کردن چهارچوب، زه کردن، توتنی و غیره است که در ادامه به تفصیل شرح داده می شوند:

برپا کردن چهارچوب کار: ابتدا در زمینی هموار و با مساحتی مناسب، محل دقیق به زمین کوبیده شدن چهار میخ فولادی تعیین می شود. میخ ها باید به لحاظ فاصله، موازی بودن و عدم سرکجی^۲ مورد ارزیابی قرار گیرند. باید توجه داشت که اگر جغجغه ها در سر خود دارای حلقه باشند، ابتدا میخ های انتهای کار باید از حلقه جغجغه ها رد شده و سپس در زمین کوبیده شوند.^۳ در مرحله بعدی، میله های سرکار و ته کار را در چهارچوب قرار داده و میله ته کار به کمک سر دیگر جغجغه و یا پیچ و مهره محکم می شود. در ابتدای چله کشی میله های سرکار و ته کار باید بالاتر از سطح زمین قرار گیرند تا امکان رد شدن نخ چله از زیر و روی میله ها میسر شود (عکس ۵). به همین دلیل، از قطعه های چوب (یا سنگ) به عنوان زیر سری میله های مذکور استفاده می کنند (نظامی، ۱۳۹۸: یادداشت ۷).

1. Tūtani

۲- با کمک یک نخ فاصله دو میخ از یکدیگر را به صورت ضربدری اندازه گیری کرده تا سرکجی نداشته و فاصله ها تنظیم شوند.

۳- میزان فرو رفتگی میخ ها به نرم و یا سفت بودن زمین وابسته است و هر چه زمین نرم تر باشد، میخ ها را باید در عمق بیشتری فرو کرد.



عکس ۵- برپا کردن چهارچوب کار (نگارندگان، ۱۳۹۸).

زه کردن پلاس: چون عرض هر کُتف^۱ (یا تکه پلاس) در سیاه‌چادر بافی حدود یک متر است؛ بنابراین، پیش از شروع چله‌کشی محدوده این عرض به کمک ریسمان‌های مویی تابیده‌شده ۸ تا ۱۰ لا که «زه پلاس یا شاه تار» نامیده می‌شوند، تعیین می‌شود.^۲ این دو رشته شاه تار مابین میله‌های سرکار و ته‌کار (یا دُم کار) یکی در سمت چپ و دیگری در سمت راست میله‌ها بسته و گره زده می‌شوند (عکس ۶). این دو شاه تار علاوه بر تعیین عرض کار به عنوان شیرازه هر کُتف نیز محسوب می‌شوند. پس از اتمام فرآیند بافندگی از همین نقاط که محکم‌تر و ضخیم‌تر هستند، عملیات دوخت به سایر کُتف‌ها انجام می‌شود. شیرازه‌های ضخیم علاوه بر افزایش دوام دوخت می‌توانند در برابر فشارهای کششی ناشی از وزن سیاه‌چادر نصب‌شده مقاومت کنند.

۱ به هر یک از نوارها با عرض یک متر که پس از بافته شدن به سایر نوارها دوخته می‌شوند، کُتف (Lataf) گویند.
 ۲ چنانچه نیاز به بافت سیاه‌چادری به طول ۹ متر باشد، بایستی حدوداً ۱۰ متر طول برای نخ چله در نظر گرفته شود تا پس از حذف اضافه‌های چله در سرکار و ته‌کار، برش پایان کار و گره زدن چله‌های انتهایی برای مسدود کردن بافت، مقدار مفید ۹ متر باقی بماند.



عکس ۶- قرار دادن شاه تارها (یا زه پلاس) در دو سمت میله‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۸).

توتنی (یا پلاس زنی): برای انجام فرآیند چله کشی سیاه چادر بافی نیاز به کمک سه نیروی انسانی است: نفر اول در نزدیکی میله سرکار، نفر دوم یا چله پیما برای فرآیند چله دوانی و نفر سوم در نزدیکی میله ته کار برای تنظیم نخ‌های چله و پیچاندن زه تاب به دور چله‌های دوانیده شده. برای چله کشی ابتدا به دو سر میله ته کار، نخ مویی (یا پنبه‌ای) چندلایی را می‌بندند تا هر تار چله پس از دوانیده شدن به دور میله ته کار به صورت تک به تک به این نخ نیز گره زده شده و محکم شود. هم‌زمان با پیشرفت کار چله کشی این نخ مویی هم به دور چله‌ها تابانیده می‌شود تا پس از پیچیده شدن به دور آخرین نخ چله به سمت دیگر ته کار متصل و ثابت شود (نظامی، ۱۳۹۸: یادداشت ۷).

علاوه بر این، نخ‌های چله باید توسط فرد چله‌پیما مابین میله‌های سرکار و ته‌کار کشیده شوند و افرادی که در نزدیکی میله‌های سرکار و ته‌کار نشسته‌اند سر نخ را گرفته و از میله رد نموده و پس از جانمایی و منظم کردن نخ‌ها مجدداً آن را به فرد چله‌پیما بدهند تا به سمت دیگر برسد. باید توجه داشت که شیوه رد کردن و دور پیچاندن نخ‌های چله بر روی میله‌های سرکار و ته‌کار بایستی به گونه‌ای باشد که در میانه مسیر، تشکیل دهانه‌ای همانند علامت (∞) بدهد.

از سویی دیگر، فردی که در نزدیکی میله ته‌کار نشسته باید علاوه بر رد کردن نخ چله و منظم نمودن آن تا زمان رسیدن دوباره نخ توسط فرد چله‌پیما نسبت به جانمایی، تنظیم کشیدگی و زنجیره کردن نخ چله با نخ چندلای مویی اقدام کند. فرآیند زنجیره کردن برای تنظیم دقیق فاصله نخ‌های چله و جلوگیری از جابجایی یا روی هم افتادگی نخ‌هاست تا در زمان شل کردن و یا جمع کردن چهارچوب کار، مکان نخ‌های چله جابجا نشده و به سرعت قابل برپایی مجدد باشد (عکس ۷).



عکس ۷- الف) تنظیم کشش و جانمایی نخ چله بر روی میله سرکار، ب) فرآیند چله‌دوانی توسط شخص چله‌پیما و ج) چله‌های زنجیره شده به نخ مویی چندلا (نگارندگان، ۱۳۹۸).

گله‌کردن چله: پس از اتمام چله‌کشی فرآیند گله‌کردن چله انجام می‌شود. بدین مفهوم که ابتدا میله شفت را لای چله‌ها در انتهای کار قرار می‌دهند و آنگاه دو نفر میله ته‌کار را به سمت جلو هدایت می‌کنند. سپس، میله‌های کوچکی (یا گله‌پیش) و هاف (یا

گله‌پی) را وارد چله‌ها نموده و به کمک ریسمانی مویی شروع به بستن تارهای زیر و رو بر روی این میله‌ها می‌نمایند (عکس ۸). نخ‌های رویی تار به صورت تک‌تک بر روی کوچی و نخ‌های زیرین به فرم جفت‌جفت به کمک یک ریسمان مویی بر روی هاف بسته می‌شوند که به این کار اصطلاحاً «گله کردن» می‌گویند (نظامی، ۱۳۹۸: یادداشت ۷).



ب

الف

عکس ۸- الف) هدایت تار به سمت جلو به کمک میله شفت و ب) بستن تارهای رویی و زیرین به کمک نخ مویی (یا فرآیند گله کردن) (نگارندگان، ۱۳۹۸).

اتصال اجزاء گله: پس از فرآیند گله کردن، سه پایه را بر روی دار بافندگی قرار داده و می‌بندند. آنگاه، کمانک را به کمک ریسمان به سه پایه آویزان می‌کنند. پس از آن، روبندک را بر روی کمانک قرار داده و سر ریسمان‌هایی که به دو طرف آن متصل هستند را بر روی میله‌های کوچی و هاف گره زده و محکم می‌کشند تا گله‌ها را به فرم کشیده نگه دارد (عکس ۹). در این هنگام فرآیند چله کشی پایان یافته و دار برای بافندگی آماده است.

بافندگی: پس از پایان چله کشی یک یا دو بافنده پشت دار افقی بافندگی نشسته و با جابجایی روبندک، ته کار (یا دُم کار) را ایجاد کرده و پس از بستن سر نخ پود به یکی از میخ‌های فولادی واقع شده در دو طرف چهارچوب، به کمک انگشتان دست نخ مویی دولای نتابیده را از میان چله‌ها عبور می‌دهند. پس از عبور دادن نخ از لابه‌لای تمامی تارهای چله، نخ پود را به کمک دستک آن‌قدر می‌کوبند تا از میان تمامی نخ‌های چله عبور کرده و به جایگاه اصلی خود منتقل شود (عکس ۱۰). سپس، با جابجایی مجدد روبندک ته کار تعویض شده و رج دوم بافته می‌شود (علی‌پور، ۱۳۹۸: یادداشت ۸).



عکس ۹- الف) اتصال اجزاء گُله (سه‌پایه، کمانک و روبندک) (نگارندگان، ۱۳۹۸).



عکس ۱۰- الف) عبور نخ پود از میان تارها به کمک انگشتان دست، ب) دفتین زدن به کمک دسّک و ج) چند رج از نخ‌های پود بافته‌شده (نگارندگان، ۱۳۹۸).

چون گهگاهی ممکن است نخ‌های چله در هم فرو رفته و دُم کار در تمامی نقاط عرض کار باز نشود؛ بنابراین پس از بافت هر رج و تعویض دهانه، به کمک دسّک بر روی تارهای چله می‌کشند تا تارهای زیرین و رویی از یکدیگر جدا شده و دهانه کار برای بافت رج بعدی آماده شود. برای سهولت فرآیند بافندگی و همچنین، جلوگیری از درهم‌رفتگی نخ‌های تار، بافندگان چند متر از نخ پود را برداشته و به فرم یک قالب استاندارد که در زبان محلی به آن لیک^۱ می‌گویند، آماده می‌کنند.

برای این کار، سر نخ دولای نتابیده را بر انگشت شصت دور داده و از سمت کف دست عبور می‌دهند. پس از دور دادن از پایین دست و هدایت آن به پشت دست به سمت انگشت اشاره برده و دور آن می‌چرخانند. آنگاه، نخ پود را مجدداً به سمت پایین برده و پس از گرداندن به دور دست این بار به سمت انگشت شصت می‌برند. نهایتاً پس از دور دادن به دور انگشت شصت، نخ را به سمت پایین آورده و مجدداً به سمت انگشت اشاره برده و دور آن می‌چرخانند. این عمل آن‌قدر ادامه می‌یابد تا مقدار نخ پود مورد نیاز به اندازه دلخواه به دور انگشتان دست جمع‌آوری شود (علیپور، ۱۳۹۸: یادداشت ۸).

1. Leyk



عکس ۱۱- مراحل تهیه لیک یا کلاف پود (نگارندگان، ۱۳۹۸).

در پایان، تمامی نخ‌های پیچیده شده به دور انگشت اشاره را درآورده و تابی به آن می‌دهند. آنگاه انتهای نخ را به قسمت بالایی کلاف دور داده و سپس با ایجاد یک حلقه در این قسمت ته کار را می‌بندند و از سر دیگر آزاد نخ برای شروع عملیات بافندگی استفاده می‌کنند (عکس ۱۱). این کلاف آماده شده به سهولت فرآیند پودگذاری بدون پیچ خوردگی نخ‌ها کمک می‌کند.

پس از اتمام کار و برای جداسازی تکه پلاس (یا لَئف) بافته شده ابتدا میله ته کار را شل کرده و سپس با فاصله حدود ۱۵ سانتی متر از انتهای بافت، شروع به برش نخ‌های چله می‌کنند. برای جلوگیری از باز یا شکافته شدن بافت‌ها، هرچند تا تار زیر و رو را به یکدیگر گره زده و سر بافت را محکم می‌کنند (عکس ۱۲). نهایتاً، لُف‌ها یا نوارهای

سیاه چادر (حداقل ۶ تا ۱۲ تخته کتف) را بر اساس ابعاد در نظر گرفته شده از سمت شیرازه (یا زه‌ها) به کمک جوال دوز به یکدیگر می‌دوزند (علیپور، ۱۳۹۸: یادداشت ۸).



عکس ۱۲- الف) برش و گره زدن نخ‌های تار و ب) اتصال لت‌ها به کمک جوال دوز (نگارندگان، ۱۳۹۸).

علاوه بر این، در گوشه لت‌هایی که باید چوب‌های^۱ برپا کردن سیاه چادر از آنها عبور کنند و یا محل‌های اتصال سیاه چادر به سطح زمین، حلقه‌هایی از ریسمان‌های محکم مویی که در زبان محلی به آن کِل^۲ می‌گویند را می‌دوزند (عکس ۱۳).



عکس ۱۳- الف) کِل، ب) لت‌های دارای چهار کِل در چهار گوشه و ج) اتصال کِل به چوب سیاه چادر (نگارندگان، ۱۳۹۸).

۱- در زبان محلی به چوبی که برای برپا کردن سیاه چادر عشایری مورد استفاده قرار می‌گیرد مِنگ (Meng) می‌گویند. برای برپا کردن یک سیاه چادر - بسته به ابعادش - تعداد ۱۳ تا ۱۷ مِنگ مورد نیاز است.

2. Kel

نقوش در سیاه‌چادرها: نقوش در فرآیند بافندگی سیاه‌چادرها عموماً در ۳۰ سانتی‌متری ابتدایی و انتهایی هر کُتف ترسیم و بافته می‌شوند. اگرچه گهگاهی ممکن است هنرمند بافنده تک نگاره‌هایی نظیر: آدمک^۱، بُز کوهی و یا نقوش هندسی را در متن سیاه‌چادر نیز بیافریند^۲. علاوه بر این، می‌توان نقوش را پس از اتمام فرآیند بافندگی بر روی سیاه‌چادرها رودوزی نمود تا به فرم برجسته‌ای خودنمایی کنند (رضایی، ۱۳۹۸: یادداشت ۹).



عکس ۱۴- الف) عبور نخ پشمی سفید از میان تارها، ب) نقش مایه آدمک (یا چوپان) و ج) نقش مایه جریان آب (نگارندگان، ۱۳۹۸).

روش ایجاد نقش بدین صورت است که پس از حدود ۵ تا ۱۰ سانتی‌متر ساده بافی در ابتدای هر کُتف از نخ‌های پشمی سفید (یا کرم‌رنگ) در ترکیب با نخ‌های مویی سیاه، نقوش زیبا و منحصر به فردی خلق می‌شوند (عکس ۱۴). هنرمند بافنده با گرفتن تارهای خاص و مطابق الگوی ذهنی، نقش مایه مورد نظر را رج به رج تصور نموده و در هر رج با ترکیب پشم و نخ مویی آن را می‌بافد (رضایی، ۱۳۹۸: یادداشت ۹).

۱- تمثیلی از «چوپان» است.

۲- گاهی این نقوش برای جداسازی چادرها از یکدیگر و مشخص کردن صاحب سیاه‌چادر بافته می‌شوند. در گذشته که هنوز عشایر یک‌جانشین نبودند، بزرگ هر طایفه برای مشخص کردن سیاه‌چادر خویش از سایر عشایر، سه کُتف انتهایی سیاه‌چادرش را با موی بز (یا پشم) سفید می‌بافت.

بحث و نتیجه گیری

سیاه چادر، مسکن عشایری متحرک و چهارفصلی است که از موی بز و با همکاری زنان و مردان عشایری بافته می شود. سیاه چادرهای تهیه شده از زیست بوم عشایری روستای سیدال به دلیل کیفیت بالا، مقاومت در برابر تغییرات آب و هوایی (نظیر: گرما، سرما و بارندگی)، سبک بودن، حمل و نقل راحت و ممانعت از ورود حیوانات خزنده و گزنده علاوه بر تأمین نیاز عشایر استان خراسان جنوبی به کشورهای همسایه نیز صادر می شوند. هنر سنتی سیاه چادر بافی علاوه بر تأمین معاش خانواده، روحیه «همکاری و همیاری» در میان ساکنان روستای سیدال را به حد اعلای رسانیده است؛ زیرا، تمام مراحل تولید از پرورش دام، موکنی، حلاجی، ریسیدن، دولا و چندلاکنی، تابیدن، بافندگی تا دوخت نهایی، مهارت های ویژه ای را می طلبد که حتی از عهده یک فرد ماهر به تنهایی برنیامده و نیازمند تعاون و یاری رسانی افراد مختلفی است. اگرچه سیاه چادرهای روستای سیدال به سبک و سیاق سیاه چادرهای عشایری سایر نواحی ایران بافته می شوند؛ با این وجود، نقش مایه های بافته شده توسط بافندگان هنرمند از باورها، اعتقادات بومی و محلی حکایت دارند که نسل به نسل از گذشتگان عشایری کوچ نشین و سپس، یکجانشین روستا برای آیندگان به ارمغان باقی مانده است.

تعارض منافع

تعارض منافی وجود ندارد.

سپاسگزاری

نگارندگان از همکاری های بی چشمداشت خانم سیما حدادی (رئیس اداره ثبت و پاسداری میراث فرهنگی ناملموس) بابت در اختیار قرار دادن پرونده مهارت پلاس بافی (سیاه چادر بافی) روستای سیدال برای نگارش این پژوهش قدردانی می کنند. علاوه بر این، از آقای حسین شبانی (نماینده میراث فرهنگی شهرستان نهبندان) که برای تهیه و ثبت پرونده میراث ناملموس مذکور در اداره کل ثبت آثار سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری همکاری کرده اند، قدردانی می شود.

مشخصات مصاحبه‌شوندگان

نام و نام خانوادگی	تخصص	سال و مکان مصاحبه
حسین شبانی (۳۸ سال).	نماینده میراث فرهنگی شهرستان نهبندان	۱۳۹۸، شهرستان نهبندان
زینب سیدالی (۶۷ سال)، ترخ نساء (۷۰ سال) و مونده نساء (۷۲ سال) حیدری، ریحانه (۶۰ سال) و طاهره (۶۲ سال) کوه‌بالایی، پری حیدری (۴۷ سال)، صغری نظامی (۵۵ سال)، فاطمه نساء میغانی (۵۴ سال)، زینب علیپور (۵۲ سال)، زینب حسینی (۴۸ سال)، زینب رضایی (۴۷ سال)، نرگس عباسی (۳۸ سال)، رقیه غلامی (۴۸ سال)، شهربانو کوه‌بالایی (۶۳ سال).	استادکاران بافنده	۱۳۹۸، روستای سیدال
ترخ نساء حیدری، پری حیدری، مونده نساء حیدری، شهربانو کوه‌بالایی، طاهره کوه‌بالایی.	راویان	۱۳۹۸، روستای سیدال
عباس چوپانی (۳۸ سال).	دهیار	۱۳۹۸، روستای سیدال
محمد رضایی (۴۱ سال).	رییس شورای اسلامی روستای سیدال	۱۳۹۸، روستای سیدال

ORCID

Samera Salimpour Abkenar
Amir Anvari Moghadam



<http://orcid.org/0000-0001-9871-0091>
<http://orcid.org/0000-0002-4583-4100>

منابع

- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران*، تهران: انتشارات ثامن‌الائمه، چاپ اول.
- پاپ‌زن، عبدالحمید و افشارزاده، نشمیل. (۱۳۹۰)، «دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه مال، سازه پرتابل ایل»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره سوم، شماره ۲: ۳۹-۵۶.
- پور حسن، ناصر. (۱۳۹۶)، «دولت - ایل؛ پیش‌نظریه‌ای برای ایران پیشاپهلوی»، *دولت پژوهی*، دوره ۳، شماره ۱۰: ۳۳-۶۳.
- ترکمنی، صائمه و لفافچی، مینو. (۱۴۰۰)، «تبیین سازوکارهای شاخص‌های پایداری در معماری کوچ (مطالعه موردی: کوچ‌نشینان بختیاری ایران)»، *فصلنامه تخصصی معماری و مرمت رف*، شماره ۳: ۴۱-۶۲.
- توانایی، حسین. (۱۳۸۱)، *فیزیک الیاف*، اصفهان: انتشارات ارکان، چاپ دوم.
- چوپانی، عباس. (۱۳۹۸)، *مصاحبه پیرامون «هنرهای سنتی رایج در روستای سیدال و نحوه پرورش بز محلی گُرکی»*، یادداشت ۲.
- حیدری، پری. (۱۳۹۸)، *مصاحبه پیرامون «حلاجی سنتی در روستای سیدال»*، یادداشت ۳.
- حیدری، ترخ‌النساء. (۱۳۹۸)، *مصاحبه پیرامون «ریسندگی سنتی در روستای سیدال»*، یادداشت ۴.
- حیدری، مونده‌نساء. (۱۳۹۸)، *مصاحبه پیرامون «نحوه دولا و چندلا کردن نخ»*، یادداشت ۵.
- دانا، محسن، نصرآبادی، علیرضا و شریفان، هادی. (۱۳۹۵)، «قلعه نه‌بندان: شواهدی از دوره اشکانی در شرق ایران»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۸، شماره ۱: ۳۷-۵۶.
- رضایی، محمد. (۱۳۹۸)، *مصاحبه پیرامون «نقوش در سیاه‌چادرها»*، یادداشت ۹.
- رنجبر، ناصر و محمودی، مهوش. (۱۳۹۹)، «ریخت‌شناسی سیاه‌چادر در عشایر جنوب غرب ایران»، *هنر و تمدن شرق*، سال هشتم، شماره ۲۷: ۱۵-۲۶.
- روحی، ترانه. (۱۳۹۵)، «سیاه‌چادر؛ معماری عشایر کوچ‌نشین»، *فرهنگ مردم ایران*، شماره ۴۵ و ۴۶: ۳۳-۹.
- رئیسی‌نافچی، مهدی، طالبی، خاطره و آزاد، میترا. (۱۳۹۹)، «گوت کِ مال»، *دانش‌های بومی ایران*، سال ششم، شماره ۱۴: ۲۵۵-۲۹۶.
- شبانی، حسین. (۱۳۹۸)، *مصاحبه پیرامون «پیشینه تاریخی سیاه‌چادر بافی در روستای سیدال و باورهای عامیانه در برپایی سیاه‌چادرها»*، یادداشت ۱.

- علیپور، زینب. (۱۳۹۸). مصاحبه پیرامون «مراحل پیش از بافندگی و بافندگی»، یادداشت ۸.
- فرجامی، محمد و محمودی نسب، علی اصغر. (۱۴۰۲)، «استقرار گاه‌های دوران تاریخی در شاه کوه شهرستان نهبندان - خراسان جنوبی (محوطه‌های آتشکده، کلاه بل‌بتو و گورستان تاسکا)»، پیام باستان‌شناس، دوره ۱۵، شماره ۲۹: ۷۸-۵۹.
- فیلیبرگ، کارل گونار. (۱۳۷۲)، سیاه‌چادر، مسکن کوچ نشینان و نیمه کوچ نشینان در پویه تاریخ، ترجمه: اصغر کریمی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- کوه‌بالایی، شهربانو و کوه‌بالایی، طاهره. (۱۳۹۸). مصاحبه پیرامون «ابزار و تجهیزات مورد نیاز برای چله‌کشی و بافندگی»، یادداشت ۶.
- کیانی، منوچهر. (۱۳۷۶)، سیه چادرها: تحقیقی از زندگی مردم ایل قشقایی، تهران: کیان نشر، چاپ دوم.
- موسوی‌حاجی، سید رسول و پیری، علی. (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی نقوش قالی سیستان با نقوش سفال نخودی شهر سوخته»، گلجام، دوره ۵، شماره ۱۳: ۷۳-۸۶.
- نظامی، صغری. (۱۳۹۸)، مصاحبه پیرامون «نحوه چله‌کشی، زه کردن پلاس و پلاس زنی»، یادداشت ۷.
- نوراللهی، علی. (۱۳۹۷)، «یاریگری در میان کوچ‌نشینان و نیمه کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام»، فرهنگ مردم ایران، شماره ۵۵: ۸۹-۱۱۴.
- نیازی، معصومه، فیض‌اللهی، علی و رضایی نسب، زهرا. (۱۴۰۲)، «بازسازی معنایی تغییرات زیست جهان عشایری در گذار به زندگی شهری (مورد مطالعه: ایل خزل)»، مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان، دوره ۳، شماره ۱: ۱۴۷-۱۶۲.
- هدایتی، هادی. (۱۳۸۴)، تاریخ هرودوت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

URL1: www.sk.mcth.ir/south-khorasan/seidal

URL2: www.portal.sko.ir

استناد به این مقاله: : سلیم پور، سامرا و انوری مقدم، امیر. (۱۴۰۳). مهارت سیاه چادربافی روستای سیدال. دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۱۱(۲۲)، ۸۱-۱۱۶.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.